



# هوای کشاورزان را داشته باشید که زندگی‌تان به آن‌ها بسته است!

تونی آلن

است. نتیجه آن ترکیب پیچیده‌ای از ابرشرکت‌سازی در یک سو، و پیشرفت‌ها در اقتصاد خانوارهای روستایی در سوی دیگر بوده است. صرف نظر از اینکه یک مزرعه بخشی از یک دم و دستگاه شرکتی بزرگ است یا یک تجارت خانوادگی ساده، همچنان این کشاورزان هستند که مدیریت آن را در دست دارند. اگر به دنبال نظارت مناسب بر منابع آبی مان هستیم، لازم است هشیاری اجتماعی و زیست‌محیطی ایجاد شود و بهره‌وری آب نیز باید بهبود یابد.

بایستی نهادهای کمک‌رسان به این مناطق توجه کنند. کشاورزی نیز نظیر

بالاست. حتی در کشورهای پیشرفته جهان، زندگی کشاورزان در اغلب مواقع مملو از استرس، اضطراب و فشارهای اقتصادی است. در اینجا نیز خودکشی چیز غریبی نیست. آیا این دلایل کافی نیست تا به یک طبقه ناامید از انسانها که اتفاقاً ما برای امنیت آبی و غذایی مان نیز دقیقاً به آن‌ها وابسته هستیم جدی‌تر توجه کنیم؟

بایستی اقتصادهای روستایی، اقداماتی برای مراقبت از کشاورزان و ترویج بهره‌وری و مدیریت کارآمد آب صورت دهند. این تغییر و تحولات به شکلی نسبتاً موفق در کشورهای صنعتی صورت گرفته

کشاورزان به زندگی دشوار عادت دارند. طی تاریخ، آن‌ها با شرایط تهدیدکننده زندگی نظیر محرومیت، فقر و ناامیدی روبرو بوده‌اند. امروز برای بسیاری از کشاورزان موقعیت تا اندازه‌ای تغییر کرده است؛ اما در جوامع در حال توسعه، میلیون‌ها کشاورز به ندرت حتی قادر به تأمین معاش خانواده خود هستند چه برسد به تولید محصول مازاد. آن‌ها توان اینکه بخواهند به‌طور جمعی از نظر اقتصادی و اجتماعی پیشرفت کنند ندارند و نمی‌توانند به‌طور مستقل بهره‌وری آب مصرفی‌شان را بهبود بخشند. نرخ خودکشی در میان آن‌ها بسیار



همه صنایع نیازمند خدمات مالی است. در جوامع در حال توسعه، کشاورزان به پیشرفت‌های قابل توجه در زیرساخت‌های مادی نیاز دارند، نظیر برق‌کشی روستاها، جاده‌های بهتر، وسایل حمل‌ونقل عمومی ارزان، منابع آب قابل اتکا. همچنین نیاز است تا زیرساخت‌های اجتماعی نیز تقویت شوند: آموزش و بهداشت.

نمی‌توان از گروهی از آدمیان انتظار داشت که جهان را نجات دهند وقتی که آن‌ها در چنگال فقر ذهنی و اقتصادی اسیر هستند؛ و از نابسامانی‌های بهداشتی جدی که خود به فقر دامن می‌زند در رنج‌اند. علاوه بر این، نیاز است تا اقتصادهای روستایی در نظام‌های اقتصادی ملی و بین‌المللی مشارکت داده شوند. در حال حاضر اکثر زمین‌های زراعی کشورهای در حال توسعه از بازار جهانی حذف شده‌اند. بایستی به این منابع تولیدی و آبی اجازه داده شود تا در نظام جهانی وارد شود، البته به شکلی

مسئولانه. ما به این منابع آب نیاز داریم و نیاز است تا به شکلی کارآمد از آن‌ها استفاده شود. نمی‌توان چنین دغدغه‌های مهمی را در بستر پرابهام و بسیار نامعلوم کنونی به حال خود رها کرد و از زیر آن شانه خالی کرد.

همچنین باید مسئله تغییرات اقلیمی در نظر گرفته شود. به شکلی انکارناپذیر- هر چند که بسیاری همچنان از امکانات لذت می‌برند- قرن پیش رو شاهد یک تغییر شکل در وضعیت کشاورزی جهان خواهد بود. برخی مناطق در این مسئله پیروز خواهد شد و دیگران بازنده. برای برخی، تولید محصولات زراعی و دامی بسیار آسان‌تر خواهد شد. همین حالا نیز زمزمه‌های مربوط به تاکستان‌های اسکاتلند را می‌شنویم. در مقابل در برخی مناطق دیگر در نتیجه افزایش خطرات زیست‌محیطی و کم‌آبی، کشاورزی مختل خواهد شد و حتی سقوط خواهد کرد. من از این بیشتر چیزها

را پیش‌بینی نمی‌کنم، اما دو چیز قطعی هستند و می‌توانند در مسیر اقدامات آینده تا اندازه‌ای به آن‌ها امید بست:

۱- تغییرات اقلیمی وارد گفتمان عمومی شده است- آن هم به شکلی که علم به ویژه جمعیت‌شناسی یا علوم آب تا به امروز موفق به انجامش نشده است. زمانی که چیزی وارد گفتمان عمومی شد، بارها و بارها درباره آن بحث صورت می‌گیرد و به نحوی می‌توان گفت که خودش خودش را عمق می‌بخشد. تا حد زیادی به همان شکلی که یک شایعه خبری چنین می‌کند. «همه درباره یک شخصیت مشهور خجالت‌زده صحبت می‌کنند، پس بیایید درباره آن اتفاق یا شخصیت مشهور صحبت کنیم.» و برعکس آن نیز صادق است؛ اگر چیزی از قلم بیفتد و در خبرها نیاید، صرفاً به تاریخ می‌پیوندد. این همان چیزی است که درباره انفجار جمعیت در نیمه دوم قرن بیستم اتفاق افتاد.

کشاورزان تا به امروز با بحران‌هایی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند که بسیار جدی‌تر از پیامدهای تغییرات اقلیمی در ۵۰ سال آینده بوده است. در این دهه‌ها، کشاورزان با حجمی از افزایش در تقاضا روبرو شدند که بعید است تغییر در وضعیت منابع آبی جهان بر اثر تغییرات اقلیمی حتی به گرد آن هم برسد. سیاست‌های جمعیتی جنجال‌برانگیز هستند و از نظر سیاسی بسیار پرهزینه و از این رو سیاستمداران غالباً ترجیح می‌دهند این بحث را از دستور کار عمومی کنار بگذارند. به این فکر کنید که برای یک سیاستمدار چقدر دشوار است تا در میانه بحث جنجالی گرمایش زمین، برای حل موضوع یک راهکار جمعیتی را پیشنهاد کند؛ اما در عوض کشاورزان می‌توانند ناجی ما در برابر مشکلات آینده ناشی از گرمایش زمین باشند. در مقایسه با مسئله جمعیت، تغییرات اقلیمی یک مسئله آسان محسوب می‌شود.

۲- کشاورزان از انطباق‌پذیری بسیار بالایی برخوردارند. آن‌ها قادر به تطبیق ظرفیتهایشان و پاسخگویی به تقاضای افزایش‌یافته در سطح جهان هستند. اما این شرط دارد: بایستی به آن‌ها مشوق‌های اقتصادی و اجتماعی حساب‌شده تعلق بگیرد. دقیقاً این مشوق‌ها چه‌ها هستند؟ برخی از آن‌ها در زیر فهرست شده است:

- برای کشاورزان وجود تقاضای قابل اعتماد برای محصولاتشان امری حیاتی است. بدون آن کشاورزان در مواقعی که قیمت یک کالا سقوط می‌کند به شدت زیان می‌بینند و زیان به سایر بخش‌ها نیز سرایت می‌کند. بیشترین محصول توسط کشاورزانی تولید می‌شود که بر تولید دسته کوچکی از محصولات غذایی تمرکز دارند.
- کشاورزان همچنین به بازارهای قابل اعتماد و ایمن نیاز دارند. این مسائل ابتدایی بسیار مهم هستند و غالباً نادیده گرفته می‌شوند.
- نیاز است جاده‌های خوب، مزارع را به بازارهای شهری متصل کند. امکان برقراری ارتباط بین‌المللی و بازار ضروری



است. امکان دستیابی ارزان به تلفن همراه در حال حاضر در جوامع در حال توسعه فراهم شده است؛ این به کشاورزان امکان می‌دهد تا به اطلاعات درباره بازارها، هم بازارهای محلی و حتی بین‌المللی دسترسی داشته باشند.

• بازارها باید امکانات و تسهیلاتی برای ذخیره‌سازی و نگهداری از کالاهای فاسدشدنی داشته باشند. مواد غذایی چیزهایی آسیب‌پذیر و حساس هستند. اگر در ذخیره‌سازی محصولات، امکانی برای مقابله با جوندگان، یا گرما و رطوبت نباشد محصولات به آسانی تبدیل به مواد غیرقابل مصرف می‌شوند.

این‌ها مشکلاتی هستند که از همه بیشتر در جوامع در حال توسعه ضعیف مشاهده می‌شوند. هنگامی که تسهیلات ذخیره‌سازی نامناسب باشد، مقدار تکان‌دهنده‌ای از محصول (تا حدود ۳۰ درصد) در راه بین مزرعه تا بازار از بین می‌رود. ۳۰ درصد رقم بزرگی است. به یاد داشته باشید که طی دهه‌های آینده قرار است تقاضا برای مواد غذایی در کل جمعیت ۴۰ درصد افزایش یابد. به این منظور اگر قرار باشد ۳۰ درصد آب بیشتری در جوامع در حال توسعه جاری شود، هزینه حرکت و جابجایی این میزان آب به شکل خیره‌کننده‌ای گران‌قیمت و مستلزم ابتکارات مهندسی بی‌سابقه است. در مقابل، هزینه تقویت و بهبود تسهیلات ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل با فناوری‌های خوب می‌تواند بسیار پائین‌تر از جابجایی ۳۰ درصد آب بیشتر باشد. پیامدهای زیست‌محیطی آن نیز مثبت خواهد بود و نه منفی. اما متأسفانه گویا ذهن انسان نمی‌تواند راهکارهای ارزان و آسان را ببیند. ترسم این است که بشنوم دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی پیش از آنکه درک کنند جلوگیری از هدر رفتن مواد غذایی یک راهکار بسیار دست‌یافتنی‌تر برای نجات منابع آب است، باز هم به دنبال پروژه‌های عظیم انتقال آب بروند.

مأخذ: آب پنهان. جلد دوم. نوشته تونی آلن، ترجمه آرش حسینیان و همکاران. نشر مثلث، ۱۳۹۵.

